

رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی

عبدالخالق فصیحی^۱

چکیده

آغاز قرن نوزدهم سرآغاز تغییر نگرش به جرائم سیاسی به شمار می‌رود. این تغییر نگرش مولود انقلاب کبیر فرانسه و پیدایش افکار جدید و دیدگاه‌های نو پیرامون مخالفان سیاسی بود که کم‌کم و به تدریج موجب به وجود آمدن رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی شد. رژیم ارفاقی؛ یعنی وضع مقررات خاص برای مجرمان سیاسی و قائل شدن امتیازاتی برای آن‌ها در مراحل دادرسی، مجازات و اجرای آن. وجود اهداف متعالی در مجرمان سیاسی، ناشی شدن جرائم سیاسی از اندیشه اصلاحی، نسبی بودن جرم سیاسی و دلایل جرم‌شناسانه مبانی نظری رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی را تشکیل می‌دهد. در عرصه دادرسی، مجازات و اجرای آن نیز مجرمان سیاسی امتیازاتی از قبیل دادرسی علنی، دادرسی در حضور هیئت منصفه، منع استرداد و... برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: جرم سیاسی، رژیم ارفاقی، دادرسی علنی، هیئت منصفه، منع استرداد

۱. گروه فقه و حقوق قضایی، مجتمع عالی فقه، جامعه المصطفی العالمیه، بامیان، افغانستان.
ایمیل: fasihi55@gmail.com

مقدمه

در حقوق جزا، طبقه‌بندی جرائم مبانی مختلفی دارد؛ گاهی جرائم را با توجه به عنصر معنوی به عنصر معنوی به جرائم عمدی و غیرعمدی طبقه‌بندی می‌کنند و گاهی با توجه به شدت و ضعف جرم و میزان مجازات تقسیم‌بندی می‌شود. در حقوق اسلامی جرائم بر اساس نوع مجازاتی که در پی دارد به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات دسته‌بندی می‌شود. در این میان یکی از دسته‌بندی‌های سنتی جرائم بر اساس نوع منفعی است که مورد تعرض رفتار مجرمانه قرار می‌گیرد که به جرائم علیه اشخاص، اموال و امنیت و آسایش عمومی تقسیم می‌شود. البته با توجه به دگرگونی‌های گسترده‌ای که جوامع امروزی با آن در عرصه‌های مختلف روبرو شده‌اند، عناوین مجرمانه رو به ازدیاد بوده است. به طوری که عناوینی به سیاهه جرائم افزوده شده که در هیچ‌یک از دسته‌ها سه‌گانه بالا نمی‌گنجد؛ مانند جرائم رایانه‌ای، جرائم علیه عدالت قضایی، جرائم علیه محیط‌زیست و...

یکی از مباحث مهم در حقوق جزای اختصاصی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی است که در دانشکده‌های حقوق با عنوان جزای اختصاصی ۳ ارائه می‌شود. عنوان مذکور شاید با این اشکال و ابهام روبرو باشد که همه جرائم ارتكابی به نوعی به امنیت و آسایش عمومی ضربه زده و خدشه وارد می‌کند. بنابراین چرا تنها جرائمی از قبیل جاسوسی، خیانت به کشور، جعل و... تحت این عنوان مطالعه می‌شود. در مقام رفع ابهام باید گفت در پاره‌ای از جرائم هدف اصلی و موضوع مستقیم جرم امنیت و آسایش عمومی است و لطمه زدن به اموال و مالکیت یا اشخاص جنبه فرعی و ثانوی دارد، ولی در برخی از جرائم، مانند سرقت و کلاه‌برداری و... موضوع مستقیم جرم امری مالی است و خدشه در امنیت و آسایش امری ثانوی و فرعی است؛ اما در جرائمی از قبیل جاسوسی و جعل آنچه در مرحله اول در معرض آسیب قرار می‌گیرد امنیت و آسایش عمومی است. اگرچه ممکن است هدف جاعل یا جاسوس، کسب مال باشد.

از عناوین مجرمانه‌ای که در بخش جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی جای



می‌گیرد، جرم جاسوسی است. حقوق‌دانان از روش واحدی برای جای دادن جرم سیاسی در طبقه‌بندی جرائم استفاده نکرده‌اند. جمعی از حقوق‌دانان و اسناد حقوقی برخی از کشورها جرم سیاسی را با توجه به ماهیت و طبیعت جرم طبقه‌بندی کرده‌اند. در این تقسیم‌بندی جرائم به جرم عمومی، نظامی و سیاسی تقسیم می‌شود. جرم عمومی به جرائمی گفته می‌شود که توده مردم مرتکب آن می‌شوند و به تمامیت جسمی و معنوی و منافع شخصی افراد صدمه زده و افکار عمومی را دچار تشویش و نگرانی می‌کند؛ مانند اختطاف، قتل، قذف و...؛ اما جرم سیاسی به جرائمی اطلاق می‌شود که علیه ساختار و سیاست‌های حکومت به وقوع می‌پیوندد؛ مانند جرم بغی و شورش. همچنین جرم نظامی که بیشتر مختص نظامیان است و در محاکم نظامی به آن‌ها رسیدگی می‌شود و غالباً با شدت و سختگیری همراه است. به‌عنوان نمونه قانون جزای کشور عراق در ماد ۲۰ مقرر می‌کند: «تقسم الجرائم من حیث طبیعتها الی عادی و سیاسی». در این میان برخی حقوق‌دانان به جرم سیاسی از بعد رکن روانی توجه کرده‌اند و مدعی شده‌اند که جرائم به لحاظ رکن روانی به جرائم سیاسی و عمومی تقسیم می‌شود. به‌بیان‌دیگر جرم سیاسی گونه‌ای از جرائم بر پایه رکن روانی است. قانون جزای کشور سوریه تعریف و ویژگی‌های جرم سیاسی را در بخش رکن روانی جرم مطرح کرده است. برخی دیگر از حقوق‌دانان جرم سیاسی را بر اساس موضوع طبقه‌بندی کرده‌اند. یکی از حقوق‌دانان در این زمینه مدعی شده است که بر اساس موضوع، جرائم به جرائم علیه اموال و مالکیت، علیه اشخاص و حاکمیت دولت تقسیم می‌شود. تقسیم‌بندی جرم سیاسی بر اساس رکن قانونی از دیگر طبقه‌بندی‌هایی است که حقوق‌دانان مطرح کرده‌اند، در این تقسیم‌بندی جرائم به جرائم عمومی، نظامی و سیاسی بخش‌بندی می‌شود؛ (پیوندی، ۱۳۸۹: ۲۲) اما حقوق‌دانان و نویسندگان حقوقی فارسی‌زبان جرم سیاسی را در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی قرار داده‌اند و در حقوق جزای اختصاصی ۳ از آن گفت‌وگو می‌کنند.



۱. مفاهیم

۱-۱. جرم سیاسی

برای نخستین بار در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه در ادبیات حقوقی ایران از کلمه «تقصیرات سیاسی» یا «جرائم سیاسی» بحث و گفتگو به میان آمد. در آن اصل آمده است: «در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعاتی لازم است تا هیئت منصفین نیز در محاکم حاضر شوند». بعدها این اصل به همین صورت در قانون اساسی سال ۱۳۱۰ به تصویب رسید، ولی در این رابطه که جرم سیاسی چیست، چه تعریفی دارد و ارکان و عناصر شکل دهنده آن چیست، تا مدت مدیدی قانون مسکوت ماند. از سوی دیگر قوانین عادی نیز از پرداختن به این موضوع امتناع ورزیدند.

بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در هنگام تصویب قانون اساسی در دور اول مجلس شورای اسلامی بحث‌های مفصلی در پیش‌نویس این اصل به تصویب رسید. تا اینکه اصل ۱۶۸ قانون اساسی علی‌رغم مخالفت‌های شدیدی که وجود داشت، به تصویب رسید. در اصل ۱۶۸ چنین می‌خوانیم: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون اساسی بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند».

تعریف جرم سیاسی در طی سال‌های اخیر از طرف قضات صاحب‌نظر کشور، وکلای دادگستری، حقوق‌دانان و استادان دانشگاه مقالات متعددی در خصوص جرم سیاسی نگاشته شده است و سمینارهایی نیز ارائه شده، ولی تاکنون برای جرم سیاسی تعریف واحدی ارائه نشده است. علاوه بر کارشناسان ایرانی و اسلامی، حقوق‌دانان سایر کشورها مانند آلمان، فرانسه، انگلستان، اسپانیا، بلژیک، سوئد و... از چشم‌انداز خود تعریف‌های مختلفی کرده‌اند که در ادامه برخی از آن‌ها ذکر می‌گردد.

جرم سیاسی عبارت از ارتکاب اعمال جرمی بدون استفاده از خشونت که اشخاص حقیقی آن را با اهداف سیاسی یا توسط احزاب سیاسی قانونی ضد حاکمیت سیاسی موجود و حکومت جمهوری اسلامی ایران یا علیه حقوق اتباع انجام داده شود، منوط



به این که هدف از اعمال جرمی منفعت شخصی نباشد. (ماده ۱ پیش نویس لایحه جرائم سیاسی)

جرم سیاسی به عمل جرمی گفته می شود که در آن هدف واژگون کردن حاکمیت سیاسی و اجتماعی و ایجاد هرج و مرج در اداره سیاسی و آسیب رساندن به حکومت داری مملکت است و یا هر رفتار جرمی که خروجی آن سقوط نظام سیاسی و اجتماعی و آسیب زدن به رجال سیاسی و رئیس مملکت باشد. (هاشمی، ۱۳۷۱: ۱۳۷)

به جرمی سیاسی گفته می شود که موضوع انحصاری و یگانه آن صدمه یا متزلزل ساختن عنصر یا عناصر سیاسی یک حکومت باشد. (گارو، نقل از سیدجلال الدین مدنی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲، ۶: ۹۴)

جرم سیاسی به جرمی اطلاق می شود که در برخورد با تشکیلات و طرز اداره کشور و بانگیزه خیرخواهانه و اصلاح طلبانه ارتکاب می شود. (کنفرانس بین المللی ۱۹۳۵ کپنهاک)

مراد از جرم سیاسی هر نوع تهاجم و تعرض جرمی علیه موجودیت یا حق حکمرانی دولت یا علیه رهبر دولت یا یکی از افراد حاکمیت از آن حیث که عضوی از اعضای آن است یا علیه قانون اساسی مملکت یا ضد حقوق سیاسی یا انتخاباتی ملت یا علیه ارتباطات خارجی حکومت. (قانون آلمان)

مجرمان سیاسی کسانی هستند که فقط عوامل سیاسی آنان را وادار به نقض قانون می کند. (قانون فرانسه) اگر انگیزه و هدف ارتکاب جرم سیاسی باشد به آن جرم سیاسی گفته می شود. (بلانش) تفکیک جرم سیاسی از غیر آن بستگی دارد که جرم به چه میزان به عملکرد سیاستمداران ارتباط پیدا می کند. (تارد) جرم سیاسی عمل قابل مجازاتی است که بر ضد حقوق سیاسی کشور یا افراد صورت می گیرد. (لیست) جرائمی که به منافع خصوصی اشخاص صدمه نمی زند عنوانی از عناوین جرائم اختصاصی را یدک نمی کشد، ولی به ساختار عمومی مملکت تعرض می کند تا حاکمیت را تغییر داده یا مختل نماید جرم سیاسی به شمار می رود. (تربوتین) بزه



سیاسی آن است که بر ضد تشکیلات اساسی کشور یا بر ضد عملکرد آن‌ها یا بر ضد حقوقی که بر حسب آن تشکیلات برای اهالی برقرار شده ارتکاب شود. (بند ۱ مصوبه ۱۹۳۵ دفتر بین‌المللی قوانین کیفری در کنفرانس کپنهاک دانمارک) به‌طور کلی هر جرمی که مستقیماً علیه دولت باشد جرم سیاسی است مثل خیانت و شورش. (هنری گامپ از آمریکا) جرائم سیاسی همه تخلفاتی را در برمی‌گیرد که نه تنها ضد جامعه یا همان هیئتی که آن را متصدی حقوق و اموال می‌دانیم و یا ضد اشخاص آن؛ مانند مقامات و مأموران رسمی صورت بگیرد بلکه فراتر از آن ضد جامعه‌ای که در قالب ملت متشکل شده است و علیه بنیان‌های قانونی آن و یا اصول اساسی آن انجام شود. (رومی) اگر متضرر جرم چه جنایت باشد و چه جنحه از مقامات و مسئولان دولتی باشد جرم سیاسی به شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر هرگاه حکومت از لحاظ جایگاه اجتماعی و سیاسی خویش آسیب ببیند یا زمانی که رفتار مجرمانه ناظر به این نهادهای دولتی باشد جرم سیاسی خواهد بود. (اولیویه امیل) جرائمی دارای عنوان سیاسی هستند که بر ضد مصالح کشور و یا بر ضد حقوق سیاسی یکی از اهالی ارتکاب یافته باشد. (هامریک کی) اقدام علیه استقلال و تمامیت سرزمینی یک کشور جرم سیاسی تلقی می‌شود همچنین اعمال جرمی ضد ساختار حکومتی، رژیم حاکم بر کشور و قدرت سیاسی و حقوق سیاسی جرم سیاسی به شمار خواهد آمد. (غلامی، <http://www.gunaz.tv/?id=2&vmode=1&sID=18725&lang=2>)

۲-۱. مفهوم رژیم ارفاقی

یکی از ویژگی‌های مهم و قابل توجه جرائم سیاسی رژیم ارفاقی حاکم بر آن است. رژیم ارفاقی به این معنا است که برای مجرمان سیاسی قوانین خاص پیش‌بینی شود و برای آنان در مراحل محاکمه و تعیین و اجرای مجازات امتیازاتی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا میان جرائم سیاسی و عادی قائل به تفکیک است و با مرتکبان جرائم سیاسی با تساهل و تسامح برخورد می‌کنند. این تسهیلات از مرحله بازداشت آغاز و تا آخرین مراحل فرایند قضایی ادامه پیدا می‌کند. تفکر ایجاد رژیمی حقوقی ویژه‌ای که ناظر به جرائم سیاسی باشد نسبتاً جوان و



نوخاسته است. رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی به دستاوردهایی بازمی‌گردد که پس از انقلاب فرانسه در بسیاری از کشورهای صنعتی رخ نمود و در واقع ریشه در مدرنیته و فلسفه سیاسی جدید دارد. قبل از انقلاب فرانسه برخورد حاکمان با مرتکبان جرائم سیاسی گوناگون بوده است، ولی عمده‌ترین روشن برخورد حذف فیزیکی به شمار می‌رفته است؛ زیرا جرم سیاسی از آنجاکه در ارتباط قدرت سیاسی و هیئت حاکمه به وقوع می‌پیوسته با شدیدترین واکنش از سوی دستگاه قدرت مواجهه می‌شده است. این روند تا انقلاب کبیر فرانسه ادامه یافت؛ اما بعد از آن اندیشه تفکیک میان جرائم سیاسی و عادی قوت گرفت و کم‌کم رژیم ارفاقی برای جرائم سیاسی را به میان آورد.

۲. اسلام و رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی

هرچند رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی در حقوق عرفی جوان و نوخاسته است؛ اما با مراجعه به منابع و مصادر اسلامی به این نکته پی می‌بریم که دین اسلام چهارده قرن پیش به رژیم ارفاقی التفات و توجه داشته است. لذا نشانه‌های تفکیک میان جرائم سیاسی و عادی در منابع فقهی به خوبی مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه گروهی از دانشمندان و محققان که در فقه جزایی اسلام تحقیقات ارزشمندی داشته‌اند این نظریه را مطرح کرده‌اند که جرم بغی همان جرم سیاسی است. البته باید گفت مطابق تعاریف پذیرفته شده نمی‌توان بغی را همان جرم سیاسی دانست؛ زیرا در بغی دست بردن به سلاح شرط است و مسئله‌ای که در جرم سیاسی پذیرفته نیست؛ اما همگرایی زیادی میان ضوابط و شرایط شناسایی و اصول ناظر بر تشکیل جرم بغی به‌طور ویژه و جرائم سیاسی به‌طور عموم موجود است که امکان دارد بغی به‌عنوان یکی از مصادیق جرم سیاسی به معنای عام قلمداد شود؛ یعنی هر اقدامی که علیه حاکمیت صورت می‌گیرد. فقه جزایی اسلام برای بغات امتیازات خاصی قائل شده و مجازات خفیف‌تری برای آن‌ها در نظر گرفته تا از امتیازات داده شده استفاده نموده و به راه صواب بازگردند. در زیر به دو نمونه از این نوع ارفاق و امتیاز اشاره می‌شود: الف. استرداد مجرمان سیاسی معمولاً در جرائم سیاسی قابل پذیرش نیست.

به عبارت دیگر هیچ‌گاه فرد مجرم به دلیل فعالیت‌های سیاسی مسترد نمی‌گردد. همچنین کسانی که به‌عنوان باغی شناخته می‌شوند، اگر از میدان نبرد فرار کنند، مورد تعقیب و توقیف قرار نمی‌گیرند. (جبعی العاملی، ۱۳۷۰: ۴۰۷)

ب. کسانی که مرتکب جرم سیاسی می‌شوند در قیاس با سایر مجرمان از امتیاز و ارفاق بیشتری بهره‌مند می‌شوند و این بر پایه یک عرف بین‌المللی است. علاوه بر آن افراد باغی بعد از اسارت اگر خطر و تهدیدی از ناحیه آنان نسبت به حکومت وجود نداشته باشد به حال خود رها شده و مورد آزار و اذواء قرار نمی‌گیرند. (همان)

۳. مبانی نظری رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی

ایجاد رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی مولود تغییر تفکر و اندیشه جامعه بعد از انقلاب کبیر فرانسه راجع به مخالفان سیاسی بود. جامعه و افکار عمومی دیگر به مخالفان سیاسی به چشم مجرمان عادی نمی‌گریستند و این طرز تلقی و برداشت کم‌کم به عرصه قانون‌گذاری نیز نفوذ کرده و رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی به بار آورد. از آنجاکه رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی ریشه در تغییر تفکر و اندیشه پیرامون مخالفان سیاسی دارد در این قسمت از نوشته به مبانی نظری رژیم ارفاقی در جرائم سیاسی می‌پردازیم.

۳-۱. وجود اهداف متعالی در مجرمان سیاسی

افرادی که در حوزه سیاست فعالیت می‌کنند، معمولاً افرادی هستند که برای اصلاح و پیشرفت جامعه و کشور فعالیت و تلاش می‌کنند. اینان عمدتاً به دنبال منافع و امتیازات شخصی نیستند، بلکه منافع ملی و آحاد جامعه را در اولویت قرار می‌دهند. برقراری عدالت و گسترش رفاه و سعادت و گام برداشتن در مسیر ترقی و توسعه سرلوحه اهداف این قشر از جامعه است و اگر خطر و تهدید تلقی می‌شوند، برای حاکمیت و ساختار قدرت خطرناک هستند نه افراد جامعه. سزار لومبروز دانشمند جرم‌شناس اهل ایتالیا که یکی از بنیان‌گذار مکتب تحقیقی جرم‌شناسی است در این باره می‌گوید: «مجرم سیاسی یک بزه‌کار عادی نیست؛ زیرا برخوردار از روحی زیبا و والا است».

(نوربها، ۱۳۷۵: ۲۵۰)



از آنچه گذشت به این نتیجه می‌رسیم که مجرمان سیاسی برای تحقق افکار متعالی و انسان دوستانه و اصلاحی تلاش می‌کنند و از سوی دیگر هدف از مجازات مجرمان اصلاح و بازگشت آنان به متن جامعه است و هدف و انگیزه و شخصیت مجرمان سیاسی با مجرمان عادی تفاوت دارد، واکنش جامعه باید در مقابل آنان متفاوت از مجرمان عادی باشد. از همین روی بسیار از اندیشمندان معتقدند که پاسخ جامعه به مجرمان سیاسی باید خفیف‌تر و ملایم‌تر و انسانی‌تر نسبت به مجرمان عادی باشد. بنابراین مجرمان سیاسی، بزه‌کار عادی نیستند و هدف و داعی آن‌ها در ارتکاب جرم با مجرمان عادی فرق دارد. مجرمان سیاسی معمولاً به سبب اهداف عمومی و اجتماعی در صدد تغییر نظام موجود بر می‌آیند. به عبارت دیگر مجرمان سیاسی به جای آن‌که تابع انگیزه‌های پست و ضداجتماعی مجرمان عادی، مثل خشم و کینه، حرص یا طمع باشند، غالباً تحت تأثیر سائق‌های انسانی و نوع‌دوستانه یا لاقط غیرشخصی و عقیدتی، دست به ارتکاب جرم می‌زنند. (صانعی، ۱۳۷۲، ۱: ۳۸۹)

۲-۳. ناشی شدن جرم سیاسی از اندیشه اصلاحی

برخی دانشمندان و حقوق‌دانان معتقدند امروز هرکسی که اندیشه یا تفکر خاص سیاسی دارد و بر پایه آن تفکر و اندیشه اصلاحی عمل می‌کند یک مجرم فاسد به شمار نمی‌رود، بلکه فرد متشخصی است که برای به کرسی نشاندن نظریه و دیدگاه خود مرتکب اشتباه شده است. بنابراین هرچند رفتار او از دید قانون‌گذار جرم محسوب می‌شود؛ اما یک بزه‌کار به معنای واقعی کلمه نیست و دلیل آن فقدان قصد مجرمانه واقعی در عمل او است. علاوه بر آن، انگیزه او از رفتار مجرمان اصلاحات اجتماعی بوده است. یکی از بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی جرم‌شناسی به نام انریکو فری در این زمینه می‌نویسد: «جرم سیاسی از غیرت، ایشار، انگیزه اصلاح جامعه و تعجیل در پیشرفت آن نشئت می‌گیرد و نتیجه آن در درازمدت خیر و رستگاری جامعه است». (محمدی جورکویه، ۱۳۸۰: ۸۸)



۴. نسبی بودن جرم سیاسی

ماهیت جرم سیاسی با جرائم دیگر متفاوت است. جرائم غیرسیاسی معمولاً با تغییر نظام حاکم سیاسی کمتر دچار تغییر می‌شود؛ اما جرائم سیاسی با تغییر نظام سیاسی حاکم دچار دگرگونی و تغییر می‌شود. به عبارت دیگر حیات جرائم سیاسی متکی به حیات و تداوم رژیم سیاسی حاکم است. با تغییر رژیم سیاسی در کشور رفتارهایی که در رژیم گذشته جرم پنداشته می‌شد در رژیم سیاسی جدید ممکن است ضرورتی برای حفظ و بقای جامعه به شمار آید؛ اما جرائمی مانند قتل، اختطاف و سرقت که جرائم غیرسیاسی است، ربط چندانی به رژیم‌های سیاسی ندارد. سراز لومبروز پدر جرم‌شناسی نوین معتقد است: «جرم سیاسی تنها برای این که از زمانش سبقت گرفته، جرم است و کسی که مرتکب آن می‌شود در پیشرفت حیات سیاسی و اجتماعی تعجیل کرده است».

جرم‌شناس معروف دیگری به نام انریکو فری از جرم سیاسی به نام «جرم موهوم» یاد می‌کند. ممکن است نظریات و دیدگاه‌هایی در گذشته جرم تلقی شده باشد، ولی با مرور زمان به واقعیت‌های غیرقابل خدشه اجتماعی، سیاسی و اجتماعی مبدل شود. از همین روی مطلوب نیست با جرائم بی ثبات که متکی به استمرار نظام سیاسی حاکم است، همچون جرائم عادی معامله شود. به عبارت دیگر میان برخورد با سارق و مجرم سیاسی باید فرق قائل شد و در چگونگی مجازات هر گروه قباح و زشتی رفتار هر گروه را مدنظر گرفت. (همان)

۵. دلایل جرم‌شناسانه

جرم‌شناسان معتقدند اغلب مجرمان سیاسی تحت آرمان‌های انسانی و انگیزه‌های نوع‌دوستانه و فکر اصلاح و بهبود وضع موجود هستند که به جرائم سیاسی دست می‌زنند. از آنجا که فلسفه مجازات تا آنجا که امکان دارد، اصلاح مجرم و برگرداندن وی به دامن اجتماع است نه طرد و حذف او از اجتماع. لذا واکنش‌های عادی جامعه در مقابل مجرمان عادی که معمولاً دارای انگیزه‌های سودجویانه و پست است،



نمی‌تواند در اصلاح حال این‌گونه مجرمان تأثیر مثبت بگذارد. بدین جهت است که دانشمندان حقوق جزا، معتقدند که باید منش ارفاق و رفتار انسانی تری نسبت به مرتکبان این نوع جرائم به کار بست و در صورت امکان برای آنان نظام جزایی خاص وضع گردد.

۶. امتیازات مجرمان سیاسی

از آنجاکه انگیزه مرتکب جرم سیاسی معمولاً اصلاح اشتباهاتی است که به اذعان وی در رفتار حاکمان و حاکمیت مشاهده می‌شود، محرک وی به سوی ارتکاب جرم سیاسی شرافتمندانه و اصلاح‌گرانه بوده است. از همین جهت مجرمان سیاسی از شأن خاص و ویژه‌ای برخوردار هستند که نمی‌توان آن‌ها را با مجرمان عادی در یک ردیف قرار داد. بنابراین در قوانین جزایی امروزه، برای مجرمان سیاسی تخفیفات و امتیازات قائل می‌شوند که در زیر به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۶. محاکمه در حضور هیئت منصفه

از جمله امتیازاتی که سیاسی شمرده شدن مورد اتهام برای متهم به دنبال دارد، محاکمه در حضور هیئت منصفه است. از آنجاکه جرم سیاسی بر ضد نظام حکومتی به وقوع می‌پیوندد، ممکن است دادگاه‌ها در برخورد با چنین اتهامی دچار لغزش‌ها یا محذوراتی شود؛ زیرا از یک سو دادگاه‌ها نیز بخشی از حکومت و قدرت را تشکیل می‌دهد و از طرف دیگر ممکن است تحت فشارهای خارجی قرار گیرد که در نتیجه بی‌طرفی‌شان نقض گردیده، جریان رسیدگی از خط انصاف خارج گردد، ولی حضور هیئت منصفه تا حد زیادی این نگرانی را کاهش می‌دهد. ضمن اینکه قضاوت درباره بعضی «موضوعات» منطقی‌اً باید بر عهده عموم مردم باشد.

به‌عنوان نمونه کامل‌ترین شیوه دادرسی پیرامون این‌که گفتار یا نوشتاری تشویش‌اذهان عمومی را موجب می‌شود یا خیر، پرسش این مطلب از هیئت منصفه در نقش وکلا و نمایندگان جامعه و اذهان عمومی است. عدم جانب‌داری هیئت ژوری یا منصفه هنگامی مسجل می‌گردد که گزینش افراد آن به‌صورت مستقل و بدون

دخالت مقامات سیاسی و حاکمیتی باشد. به طور معمول سازوکار انتخاب هیئت ژوری برای محاکم از میان کسانی صورت می‌گیرد که در آغاز سال برای حضور در هیئت نام‌نویسی کرده‌اند و سپس با قرعه‌کشی انتخاب شده‌اند. در هیئت منصفه افرادی از طبقات گوناگون با گرایش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی حضور دارند.

۲-۶. محاکمه علنی

علنی بودن محاکمات سیاسی امتیازاتی است که قانون برای متهمان سیاسی قائل شده تا بدین ترتیب سلامتی روند محاکمه در نزد افکار عمومی، به داوری گذاشته شود و امکان هرگونه خلاف و اعمال نفوذ به حداقل برسد. یکی از ابداعات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۵ همین مسئله علنی بودن دادرسی مجرمان سیاسی است که در متمم قانون اساسی مشروطیت به چشم نمی‌خورد. اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد که رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) فلسفه علنی بودن محاکمات این است که دادرسی در انظار عمومی و به دور از سانسور و مخفی‌کاری برگزار گردد تا از تصمیمات قضایی پنهانی که از دید مردم و مطبوعات و رسانه‌ها به دور است، اجتناب شود. دادرسی علنی به‌ویژه در جرائم سیاسی دارای فواید زیر می‌تواند باشد:

الف. علنی بودن دادرسی موجب می‌شود همه‌کسانی که نسبت به موضوع محاکمه توجهی دارند، در دادگاه حضور یافته و از نحوه دادرسی و حسن جریان آن و بی‌طرفی قضات آگاهی یابند. همچنین در محاکماتی که دارای جنبه عمومی است، رسانه‌ها و مطبوعات مردم و افکار عمومی را در جریان دادرسی قرار دهند.

ب. در صورتی که محاکمات به صورت علنی برگزار شود، رعایت حقوق و آزادی قانونی و طبیعی مقرر برای متهمان با اشخاصی که مورد دادرسی‌های سیاسی قرار دارند، به نحو اکمل تضمین و تأمین خواهد شد؛ زیرا قاضی همواره خود را در معرض دید دیگران می‌بیند و سعی می‌کند اصول و مقررات را به طور کامل رعایت نماید.



لذا نمی‌تواند به صورت آشکار حقوق متهم را زیر پا بگذارد. در نتیجه عدالت کیفری برای تأمین حقوق متهم تحقق خواهد یافت.

ج. فایده و اثر مثبت دیگر علنی بودن دادرسی آن است که حقوق دانان، قضات و وکلای دیگر شاهد و ناظر دادرسی دادگاه هستند و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. بنابراین قاضی رسیدگی کننده سعی دارد از اشتباه در تصمیم‌گیری و تشخیص اجتناب نماید. به عبارت دیگر یکی از عوامل تقویت و استحکام احکام صادره از دادگاه‌ها محاکمه به صورت علنی است.

۳-۶. عدم استرداد مجرم سیاسی

مجرمان سیاسی معاف از استرداد هستند و این قاعده طبق یک سنت بین‌المللی تثبیت شده است. (علی‌آبادی، ۱۳۸۵، ۱: ۱۰۰) مسترد نشدن مجرمان سیاسی از ابتدای قرن نوزدهم جزء میراث ایدئولوژیکی و حقوق موضوعه فرانسه بوده است. از این زمان این اندیشه صورت نهایی یافت که اگر پناهندگی نباید موجب فرار مرتکب از مجازات عمومی گردد، مجرم سیاسی باید هنگامی که از کشوری می‌گریزد که به علت ماهیت جرم ارتكابی در صدد تعقیب او هستند، مورد کمک و حمایت قرار گیرد و مقامات کشوری که متهم بدان گریخته است، باید درخواست استرداد چنین کسی را رد کنند. اصل عدم استرداد در امور سیاسی از این زمان استثنایی بر استرداد و همکاری بین‌المللی در مجازات مجرمان به شمار می‌رود.

۶-۴. زمان کمتر برای اعاده حیثیت

مرتکبان جرائم سیاسی برای اعاده حیثیت معمولاً به زمان کمتری نیاز دارند، بر خلاف مرتکبان جرائم عادی. این مسئله در بسیار از نظام‌های حقوقی رعایت می‌شود. مثلاً در حقوق ایران قبل از انقلاب اسلامی، ماده ۵۹ قانون مجازات عمومی مقرر می‌داشت: «اگر اشخاصی که برای ارتکاب جرم سیاسی محکوم به حبس تأدیبی می‌شوند در ظرف یک سال از تاریخ اتمام مجازات و اشخاصی که برای ارتکاب همان جرم محکوم به مجازات جنایی می‌شوند در ظرف پنج سال از تاریخ

اتمام مجازات مجدداً محکومیت جنایی نداشته باشند به اعاده حیثیت نایل شده و محکومیت آن‌ها از سجل جزایی محو خواهد شد».

۵-۶. شمولیت بیشتر نسبت به عفو عمومی

عفو وسیله‌ای است برای اسقاط تعقیب دعوی و یا متوقف ساختن اجرای حکم. اعطای عفو بر حسب مرجع اعلام کننده به عفو عمومی یا عام و عفو خصوصی یا خاص قابل تقسیم است. عفو عمومی از طریق قوه مقننه و عفو خصوصی به پیشنهاد قوه قضاییه از طریق مقام رهبری اعطا می‌شود. (نوربها، ۱۳۷۵: ۳۷۰) عفو عمومی که برای آرامش افکار عمومی پیش‌بینی شده است بیشتر در مورد جرائم سیاسی که در اثنای انقلابات سیاسی واقع می‌شود، به تصویب می‌رسد. (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۹۹) لایحه قانونی رفع آثار محکومیت‌های سیاسی به شماره ۴۰۸-۱۳۵۸/۱/۸ از مصادیق عفو عمومی در جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. ماده واحده لایحه قانونی مزبور مقرر می‌دارد: «محکومیت کلیه کسانی که به‌عنوان اتهام اقدام علیه امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت و ضدیت با سلطنت مشروطه و اتهامات سیاسی دیگر تا تاریخ ۵۷/۱۱/۱۶ به حکم قطعی محکوم شده‌اند کان لم یکن تلقی می‌شود و کلیه آثار تبعی محکومیت‌های مزبور موقوف الاجرا خواهد بود». (روزنامه رسمی شماره ۹۹۳۵-۱۳۸۵ / ۱/۱۹)

۶-۶. چگونگی محکومیت

مجرمان سیاسی در مورد نحوه محکومیت هم از امتیازاتی برخوردارند و معمولاً در مورد این نوع مجرمان مجازات‌های خفیف‌تری در نظر گرفته می‌شود و سعی می‌شود در نحوه مجازات آنان، شئون انسانی مورد توجه قرار گرفته و شخصیت و حیثیت فردی مجرم، حفظ شود. مثلاً اکثر نظام‌های حقوقی مجازات اعدام را برای جرائم سیاسی لغو کرده و محبوسان سیاسی در بندی مجزا از مجرمان عادی نگهداری می‌شوند، موظف به پوشیدن لباس زندان نیستند، حق ورود و خروج به سلول‌ها را دارند، به کتاب و روزنامه دسترسی دارند و می‌توانند از امکانات بهتری استفاده کنند.



از لحاظ آثار محکومیت نیز معمولاً مجرمان سیاسی از امتیازاتی برخوردارند و ارتکاب جرم سیاسی به‌عنوان سابقه جزایی محسوب نمی‌شود و بر خلاف مجرمان عادی در مورد مجرمان سیاسی نمی‌توان مجازات‌های تبعی و تکمیلی و محرومیت از حقوق اجتماعی (از قبیل استخدام، انتخاب شدن...) در نظر گرفت. تکرار جرم سیاسی موجب تشدید مجازات نمی‌شود، شرایط عفو مجرمان سیاسی آسان‌تر و سابقه کیفری (سوءپیشینه) در مدت کمتری از سجل کیفری‌شان حذف می‌شود. (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۰۰)

نتیجه‌گیری

یکی از مباحث مهم در حقوق جزای اختصاصی بحث جرم سیاسی است. حقوق‌دانان و نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف تعریف واحدی از جرم سیاسی ارائه نداده‌اند. حتی برخی بنا بر ملاحظاتی حاضر به تعریف جرم سیاسی در قوانین جزایی نشده‌اند. تحولات فکری و اجتماعی پس از انقلاب کبیر فرانسه نگرش به مخالفان سیاسی را کاملاً تغییر داد. درگذشته با مخالفان سیاسی که معمولاً با حاکمیت و ارباب قدرت درمی‌افتادند به شدیدترین وجه برخورد می‌شد؛ اما از اوایل قرن نوزدهم به تدریج از غلظت و شدت این برخوردها کاسته شده و بحث رژیم ارفاقی برای مجرمان سیاسی مطرح شد. خاستگاه رژیم ارفاقی تغییر و دگردیسی در نگرش به مخالفان سیاسی بود. مبانی نظری که منجر به پیدایش رژیم ارفاقی برای مجرمان سیاسی شد عبارتند از: وجود اهداف متعالی در مجرمان سیاسی، ناشی شدن جرائم سیاسی از اندیشه اصلاحی، نسبی بودن جرم سیاسی و دلایل جرم‌شناسانه. مجرمان سیاسی در عرصه عمل نیز دارای امتیازاتی از قبیل محاکمه علنی، محاکمه در حضور هیئت منصفه، منع استرداد، استحقاق بیشتری برای مشمولیت عفو عمومی و ارفاقاتی در دوران محکومیت می‌باشند.

فهرست منابع

الف. کتب و مقالات

۱. پیوندی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، تعریف جرم سیاسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲. جبعی العاملی، زین الدین (شهید ثانی)، (۱۴۱۲ ق)، الروضة البهية في اللمعة الدمشقية، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳. ساریخانی، عادل، (۱۳۸۴)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۴. صانعی، پرویز، (۱۳۷۲)، حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.
۵. علی آبادی، عبدالحسین، (۱۳۸۵) حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات فردوسی.
۶. غلامی، شهناز، مصادیق جرم سیاسی و حقوق مجرم سیاسی:
<http://www.gunaz.tv/?id=2&vmode=1&sID=18725&lang=2>
۷. محمدی جورکویه، علی، (۱۳۸۰)، مبانی برخورد ارفاقی با مجرمان سیاسی و تأملی در طرح جرم سیاسی، تهران: رواق اندیشه.
۸. نوربها، رضا، (۱۳۷۵)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: کانون وکلای دادگستری.
۹. هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۱)، تحلیل جرائم سیاسی و مطبوعاتی، تهران: مجله تحقیقات حقوقی.
۱۰. ب. قوانین و روزنامه‌ها
۱۱. قانون مجازات اسلامی
۱۲. روزنامه رسمی
۱۳. قانون مجازات عمومی.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.